

سبک‌ها تاریخ‌نگاری معاصر

● یعقوب توکلی

محقق و پژوهشگر تاریخ، مدرس دانشگاه

چکیده

دانستن ویژگی‌های سبک تاریخ‌نگارستانه‌ها هم برای پژوهنده و هم برای خواننده تاریخ انقلاب اسلامی ضروری و بایسته است. اغلب از تقسیم‌بندی تاریخ‌نگاری به نقلی و تحلیلی مطلع هستیم، اما شاید مرزبندی دقیق بین شاخه‌ها و فروع این دو شاخه عمده تاریخ‌نگاری را ندانیم. یکی از عواملی که باعث افزوده شدن بر روش‌های تاریخ‌نگاری نقلی شد، پیشرفت‌های فنی و اختراع وسایل سمعی و بصری بود. دوربین عکاسی و فیلمبرداری، ضبط صوت، میکروفیلم و... شیوه‌های ثبت تاریخ را دقیق‌تر و گسترده‌تر نمودند و اکنون می‌توان منابع تاریخی زیادی را در زمره محصولات این وسائل جدید جست‌وجو کرد. اما در این میان آنچه مهم است، بازشناسی سبک‌های صوری و فرمی این منابع تاریخی و درک ارزش استنادی این منابع در خصوص بررسی وقایع مرتبط با انقلاب اسلامی می‌باشد که در نوشتار زیر مورد بحث و تفصیل قرار می‌گیرد.

کلید واژه: تاریخ‌نگاری، خاطره‌نگاری، یادداشت نویسی، تک‌نگاری، روزشمارنویسی

پیش درآمد

تنوع گسترده‌ای از صورت و فرم در تاریخ‌نگارستانه‌های دوره معاصر بروز کرده است که در تاریخ‌نگاری گذشته ایران وجود نداشت. این تنوع و چندگانگی، از شرایط جدید تمدنی، گوناگونی نظریات و دیدگاه‌ها و نیز از تکرار روایان و منابع تاریخی ناشی می‌شود. علاوه بر این، در تاریخ‌نگاری گذشته، جز پاره‌ای موارد معدود که مورخ موفق می‌شد اسناد مکتوب اداری و سازمانی را به عنوان سند مورد استفاده قرار دهد، در اغلب موارد از روایت‌هایی که مورخان پیشین آن‌ها را به صورت کتاب در آورده بودند، به عنوان سند و مرجع معتبر استفاده می‌شد؛ اما امروزه عواملی چون؛ فراهم شدن امکان استفاده از انبوه اسناد مرتبط با یک پدیده، پروژه‌های خاطرات شفاهی و نیز خاطره‌نگاری‌های مکتوب از سوی افراد و عناصر مرتبط با جریان‌های تاریخی، جریان تاریخ‌نگاری را به کلی متحول کرده‌اند. گذشته از همه این‌ها، برخلاف گذشته که سند تصویری، فقط شامل صورت‌پردازی و یا عکس (پس از اختراع چاپ) می‌شد، امروزه، فیلم و تصویر متحرک، به منابع اساسی تاریخ‌نگاری تبدیل شده‌اند. این تنوع در منابع، زایش انواع مختلفی از سبک‌های تاریخ‌نگاری را به دنبال داشته است و هر کدام از این سبک‌ها در نوع خود حائز اهمیت بسیار هستند. جالب آنکه تنوع در دیدگاه‌ها، چندان در تنوع روش و سبک صوری تاریخ‌نگاری تأثیر جدی نداشته است؛ بدین معنا که اغلب دیدگاه‌های متفاوت، از شیوه‌ها و سبک‌های یکسانی بهره می‌برند و لذا باید گفت آنچه بیش از هر چیز باعث ایجاد این تکثرات شکلی و صوری می‌شود، شرایط جدید تمدنی است. بی‌اطلاعی از سبک‌های فرمی و صوری و یا بازشناسی، تفکیک و مرزبندی نکردن آن‌ها، باعث خواهد شد خواننده، محقق و یا دانش‌پژوه عرصه تاریخ در تشخیص ارزش استنادی منابع با مشکل مواجه شود؛ به‌ویژه در خصوص تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، ضرورت توجه به این مسأله بسیار حیاتی است؛ چرا که در ارتباط با تاریخ معاصر ایران و نیز درباره انقلاب اسلامی ایران تاکنون - به ویژه پس از پیروزی انقلاب - آثار فراوانی به رشته تحریر در آمده است که به لحاظ شکل، فرم و سبک بسیار متنوع هستند. از این رو در این فصل دوازده گرایش و دیدگاه تاریخ‌نگاری نقلی را احصا و طبقه بندی کرده‌ایم که کاملاً از هم قابل تفکیک و متمایزند.

تنوعی که ذکر آن رفت، امروز به یک معضل در تاریخ‌خوانی، تاریخ‌پژوهی و تاریخ‌نگاری تبدیل شده و بسیاری از خوانندگان و پژوهشگران و نویسندگان را

در ورطه اعتماد به منابع فاقد ارزش و افسانه‌های تاریخی مندرج در متون رسمی و معتبر یا دانشنامه‌ای انداخته است. برای رهایی از این امواج متنوع، درهم تنیده و پیچیده تاریخ‌نگاری، پیش از هر چیز و قبل از آنکه وارد مباحث تاریخی و نقد آن‌ها شویم، لازم است به بازشناسی و تفکیک دقیق فرم‌ها و شیوه‌های گوناگون تاریخ‌نگاری بپردازیم.

لازم به ذکر است، آنچه از تقسیم‌بندی شیوه‌ها و صورت‌های مختلف تاریخ‌نگاری معاصر ایران بیان می‌شود، ابتکار و ایده مؤلف است و لذا به تقسیم‌بندی‌های موجود در متون دیگر استناد و ارجاع داده نخواهد شد.

از گذشته، فرم، صورت و شیوه‌های تاریخ‌نگاری را به دو حوزه اساسی و کلی تقسیم می‌کردند: ۱- تاریخ‌نگاری نقلی؛ ۲- تاریخ‌نگاری تحلیلی. مثلاً در حوزه تاریخ اسلام، سیره ابن هشام، تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی و تاریخ پیامبر اسلام نوشته محمد ابراهیم آیتی را می‌توان در زمره تاریخ‌نگاری نقلی به حساب آورد؛ اما تاریخ تشیع نوشته رسول جعفریان، فروغ ابدیت نوشته جعفر سبحانی، زندگانی امام حسین (ع) نوشته سید جعفر شهیدی و تشیع در مسیر تاریخ نوشته سید حسین جعفری، به لحاظ قالب و فرم در ردیف تاریخ‌نگاری تحلیلی قرار می‌گیرند.

در چهارچوب این فرم کلی، می‌توان گونه‌های مختلف تاریخ‌نگاری را بر شمرد. تاریخ‌نگاری نقلی دوره جدید و انقلاب اسلامی، در اشکال و شیوه‌های بسیار متنوعی بروز و ظهور نموده است که بخشی از فرم آن در گذشته تاریخ‌نگاری ایران، سابقه طولانی دارد و بخش قابل توجه دیگر این فرم، از ابداعات دوره معاصر و حتی مربوط به دوره پس از انقلاب اسلامی است.

شیوه‌ها و اشکال متعددی در تاریخ‌نگاری نقلی و تحلیلی مطرح است که عمده‌ترین شیوه‌ها و صورت‌ها عبارتند از:

الف: تاریخ‌نگاری نقلی

۱. گزارش‌نویسی؛ ۲. روزشمار تاریخی، که خود به روز شمار تلخیصی و تفصیلی تقسیم می‌شود؛ ۳. خاطره‌نگاری، که به صورت شفاهی و مکتوب مطرح است و خاطره‌نگاری شفاهی خود به انواع: خام، ویرایشی، تدوینی و تلفیقی تقسیم می‌شود.

ب: تاریخ‌نگاری تحلیلی

۱. تحقیقی؛ ۲. اسنادی؛ ۳. فرهنگ نامه‌ای. در کنار اینها باید شیوه تاریخ‌نگاری داستانی را نیز اضافه نمود. بعد از وقوف بر شیوه‌ها و اشکال تاریخ‌نگاری معاصر، گام بعدی آشنایی با مراکز و سبک‌های تاریخ‌نگاری معاصر است که به محققان کمک می‌کند تا مراکز و جریان‌های معتبر را از منابع و جریان‌های غیرمعتبر بازشناسند و میزان اعتبار هر یک را بسنجند.

۱- گزارش‌نویسی

گزارش‌نویسی در تاریخ‌نگاری معاصر شامل موارد زیر می‌شود:

الف: گزارش‌نویسی تاریخی: به نگارش قضایای تاریخی به صورت گزارش و شرح ملوقع حوادث، گزارش‌نویسی تاریخی اطلاق می‌شود. این سبک از گزارش‌نویسی، ممکن است در سه قالب سیر تاریخی، موضوعی و شخصی صورت گیرد. مانند کتاب‌های تاریخ سیاسی معاصر، نوشته‌ی جلال‌الدین مدنی^۱؛

تاریخ بیست و پنج ساله، نوشته‌ی سرهنگ غلامرضا نجاتی^۲؛ مأموریت برای وطن، نوشته‌ی محمدرضا پهلوی^۳ (گرچه در انتساب این کتاب به محمدرضا تردید جدی وجود دارد)؛ ایران در عصر رضاشاه، نوشته‌ی الوین ساتن^۴ و عظمت باز یافته^۵.

ب: گزارش‌نویسی موضوعی: گزارش و اثری است که پیرامون یک حادثه و یا یک موضوع مشخص به نقل حوادث و وقایع می‌پردازد. مانند کتاب‌های: کشف حجاب و قیام گوهرشاد، نوشته مسعود کوهستانی نژاد (شرح ماجرای حرکت مردم مسلمان در برابر سیاست کشف حجاب رژیم پهلوی و قیام آن‌ها در مسجد گوهرشاد به رهبری شیخ محمد تقی بهلول)، زندانیان (اک، نوشته نورالله لارودی^۶، قیام افسران خراسان، نوشته ابوالحسن تفرشیان^۷، سازمان نظامی حزب توده، نوشته محمدحسین خسروپناه^۸، قیام تنباکو، نوشته ابراهیم تیموری^۹ و ماجرای کودتای سرلشکر قزاق، نوشته مارک گازویورسکی و ترجمه‌ی سرهنگ غلامرضا نجاتی، کودتای نوزدهم، مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی و ناشناخته، نوشته‌ی عبدالله شهبازی^{۱۰}.

ج: گزارش‌نویسی شخصیتی: گزارشی است که پیرامون زندگی و شخصیت یک فرد و یا افراد برجسته نوشته می‌شود؛ از جمله آثار مربوط عبارتند از: حدیث بیداری نوشته‌ی حمید انصاری^{۱۱} (درباره‌ی زندگی امام خمینی)؛ زندگی و مبارزات آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی، نوشته‌ی موسی نجفی، زندگینامه سیهید شهید محمودلی قزاقی، نوشته‌ی یعقوب توکلی؛ معمای هویدا، نوشته‌ی عباس میلانی و کتاب‌هایی که طی سال‌های اخیر درباره رهبران و شهدای انقلاب و دفاع مقدس و یا شخصیت‌های عصر پهلوی نوشته شده‌اند و در عرف اصحاب قلم و تاریخ به تک‌نگاری شهرت دارند.

۲- روزشمار تاریخی

روزشمار تاریخی به سبکی گفته می‌شود که در آن نویسنده حوادث تاریخی را براساس سیر روزانه وقایع می‌نویسد، البته ممکن است حوادث و روزها پیوسته نباشند و میان آن‌ها فاصله باشد. این شیوه به صورت‌های مختلفی نگاشته شده است:

الف: روزشمار تلخیصی: روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب نوشته‌ی باقر عاقلی^{۱۲}؛ روزشمار هفت هزار روز، نوشته‌ی غلامرضا کرباسچی^{۱۳}؛ و روزشمار تاریخ روابط ایران و آمریکا، نوشته‌ی دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، از کتاب‌هایی هستند که به طور خلاصه و در حد یک یا دو جمله‌ای، به ثبت وقایع و حوادث روزانه اقدام نموده‌اند. این نوع روزشمار تاریخی، نزد محققان تاریخ از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است اما متأسفانه در تاریخ‌نگاری ایران به آن کمتر توجه شده است.

ب: روزشمار تفصیلی: روز شمار تفصیلی، روزشماری است که به طور مفصل - فراتر از چند جمله - به شرح حوادث روزانه یک دوره تاریخی می‌پردازد. مانند: روزشمار انقلاب اسلامی نوشته شده در دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری^{۱۴} (درخصوص حادثه‌ی نوزدهم دی ۱۳۵۶)؛ روزشمار جنگ^{۱۵}، تهیه شده توسط مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و روزشمار اسناد لانه جاسوسی^{۱۶}، تهیه شده در مرکز نشر لانه جاسوسی. روزشمارنویسی خود به دو زیر شاخه عام و موضوعی تقسیم می‌شود. در روزشمار نویسی عام، همه حوادث تاریخی واقع

تنوع گسترده‌ای از صورت و فرم در تاریخ‌نگارته‌های دوره معاصر بروز کرده است که در تاریخ‌نگاری گذشته ایران وجود نداشت. این تنوع و چندگانگی، از شرایط جدید تمدنی، گوناگونی نظریات و دیدگاه‌ها و نیز از تکثر راویان و منابع تاریخی ناشی می‌شود

تاریخ‌نگار معاصر

که خاطره گو حوادث را حول محور خودش تبیین کند، به گونه‌ای که ریشه و عامل همه قضایا - البته با نگاهی مثبت - به او ختم شود و نقش دیگران ضعیف‌تر جلوه کند. با این وجود خاطره، در دوره معاصر یکی از اصلی‌ترین منابع و مستندات تاریخی و تاریخ‌نگاری به شمار می‌رود؛ از این رو لازم است حدود و ثغور، ارزش تاریخی و اعتبار هر خاطره را با دقت و وسواس بازکاوی نماییم. لازم به ذکر است اعمال این دقت، در خاطرات شفاهی به مراتب جدی‌تر و عمیق‌تر است. علاوه بر این، توجه به انگیزه و اهداف تنظیم‌کنندگان خاطرات یا موقعیت خاطره‌گو نیز بسیار مهم است.

خاطرات شفاهی در کل به یکی از صورت‌های زیر تنظیم می‌شوند:

۱- خاطرات شفاهی خام؛ ۲- خاطرات شفاهی ویرایشی؛ ۳- خاطرات شفاهی تدوینی؛ ۴- خاطرات شفاهی تلفیقی.

خاطرات شفاهی خام: در این شیوه، مصاحبه‌گران با شخصیت خاصی به مصاحبه می‌نشینند و عین مطالب مصاحبه‌شونده را بی هیچ تبیین، ویرایش، دخل و تصرف و کم و کاست، با تمامی اشتباهات و یا فراموشی‌های خاطره‌گو، منتشر می‌کنند. نمونه بارز و الگوی این شیوه، تاریخ‌نگاری شفاهی دانشگاه هاروارد است که مجموعه خاطرات شفاهی آن تحت مدیریت دکتر حبیب‌الله لاجوردی انجام شده و تاکنون حدود ده جلد از آن چاپ و منتشر شده است؛ از جمله: خاطرات امیر تیمور کلانی، خاطرات علی امینی^{۱۸}، خاطرات سلطان حمید قاجار^{۱۹}، خاطرات شاپور بختیار^{۲۰}، خاطرات شریف امامی^{۲۱}، خاطرات عبدالمجید مجیدی^{۲۲}، خاطرات فاطمه پاکروان و خاطرات ارشد طوفانیان. این تلاش دانشگاه هاروارد، به رغم تمامی هیاهوها و سروصداهایی که پیرامون آن به راه انداخته شد و به‌رغم تأمین امکانات مادی فراوان از سوی برخی عناصر سلطنت‌طلب و برخی غرب‌گرایان، کاری بسیار ضعیف و ابتدایی است.

خاطرات شفاهی ویرایشی: صورت دیگری از تاریخ‌نگاری نقلی را شکل می‌دهند که مراکز متعددی در داخل ایران به آن پرداخته‌اند و یا پیگیر آن هستند. در این شیوه، پس از ضبط و جمع‌آوری خاطرات از طریق مصاحبه و گفت‌وگو، آن‌ها را بر روی کاغذ پیاده می‌کنند و پس از اعمال ویرایش ادبی و درج توضیحات لازم (بدون دخل و تصرف)، حاصل کار را در قالب کتاب (و با امضاء مصاحبه‌شونده) منتشر می‌سازند. مانند: خاطرات سید علی‌اکبر محتشمی^{۲۳}، سید محمد کاظم بجنوردی^{۲۴}، مرتضی الویری^{۲۵} و اکبر براتی^{۲۶} منتشر شده توسط دفتر ادبیات انقلاب اسلامی و نیز خاطرات علی‌اکبر ناطق نوری^{۲۷}، محمدی ری‌شهری، محمدتقی فلسفی و... که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ

شده در یک دوره ذکر می‌شوند. سالنامه‌های منتشر شده از سوی مؤسسه ایران، از این نوع هستند. برای روزشمار موضوعی، می‌توان به کتاب روزشمار روابط ایران و آمریکا^{۲۸}، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه تهران؛ اشاره کرد.

ج: سال‌شمار نویسی: سال‌شمار تاریخی، عموماً در دوره‌های تاریخی طولانی مدت و اغلب بدون اعمال دقت، به طور روزانه تنظیم می‌شود. در ارتباط با تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی و نیز تاریخ معاصر ایران، جز در حد یک یا چند صفحه در حواشی و یا پایان کتاب‌ها، متن دیگری که در ذیل این نوع از تاریخ‌نگاری گنجانده شود، تنظیم نشده است و غالب سال‌شمارهای تدوین شده عموماً معطوف به تاریخ جهان و یا تاریخ چند هزار ساله کشورهاست.

۳- خاطره‌نگاری

به یادآوری افراد از یادمانده و نقش آن‌ها در حوادث تاریخی، خاطره‌نگاری گفته می‌شود. در ثبت یک خاطره، توجه به دو مسأله از همه چیز مهم‌تر است:

۱- فاصله زمانی بین وقوع حادثه و خاطره‌نویسی یا خاطره‌گویی؛ ۲- مشخص بودن به یادمانده؛ یعنی باید حد خاطره را از غیرخاطره مشخص کنیم و برای این کار لازم است در خاطرات افراد، بین خاطرات شخصی و مطالعات و دانش آن‌ها از قضایای تاریخی - که معمولاً افراد سعی می‌کنند آن‌ها را با خاطرات خود ممزوج نمایند - تفکیک قائل شویم. اطره‌نگاری در دوره‌های اخیر به شدت رشد یافته و مرسوم شده است. تاکنون از سوی اشخاص، گروه‌ها و طیف‌های مختلف، خاطرات متعددی منتشر شده است. خاطره‌نگاری تاریخی به دو صورت انجام می‌شود؛ شفاهی و مکتوب.

الف: خاطره‌نگاری شفاهی: سبک و شیوه جدیدی از تاریخ‌نگاری است و برخلاف خاطره‌نگاری مکتوب که کم و بیش در ایران سابقه داشته است، این صورت از تاریخ‌نگاری، نو و جدید است و هم اکنون به صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ چنان‌که به یکی از منابع اصلی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی بدل شده است. در این روش، خاطره‌نگار نباید صرفاً به بیان و ثبت خاطرات شیرین پیروزی‌ها و فرازها از حوادث و وقایع بپردازد، بلکه حوادث تلخ و شیرین، شکست‌ها و کامیابی‌ها و فرازها و فرودها باید در کنار هم مطرح شوند. از آسیب‌های جدی در روایت‌های خاطره‌ای، گزینش ذهن خاطره‌نویس و خاطره‌گو است که ممکن است در بیان خاطره ترجیحاً به نقش‌ها و حوادث مثبت بیندیشد و این مثبت‌اندیشی موجب اشتباه محقق و خواننده در شناخت حوادث شود. آسیب دیگر، اعمال خود محوری در روایت خاطره است؛ بدین معنا

یادداشت روزانه از اسناد باارزش تاریخی به شمار می‌رود؛ چراکه ذهن نویسنده به هنگام نوشتن این یادداشت‌ها، از یک طرح و نقشه طراحی شده بهره نمی‌گیرد، بلکه حوادث روزانه را بر مبنای شیوه وقوع آن‌ها یادداشت می‌کند و در نتیجه مطلب از یک سیر کاملاً طبیعی برخوردار می‌شود

می‌توان در کتاب توسعه در ایران تهیه شده توسط مرکز مطالعات زنان ایران در امریکا که مصاحبه‌ای است با مجید گودرزی، عبدالمجید مجیدی و منوچهر فرمانفرمائیان دید.^{۳۵}

ب: خاطره‌نگاری مکتوب: خاطره‌نگاری مکتوب، به خاطراتی گفته می‌شود که توسط شخص خاطره‌نگار نوشته می‌شود و خود او بر نگارش متن نهایی، نظارت و دخالت تام دارد؛ به عبارتی خاطره با قلم و احساسات شخص خاطره‌نگار همراه است. تفاوت خاطره‌نگاری مکتوب و شفاهی، در میزان اعتبار استناد آن به نویسنده و گوینده خاطرات است؛ چرا که میان کلام منقول از گوینده و روایت مکتوب، به لحاظ اعتبار تفاوت وجود دارد؛ زیرا ممکن است ناقلان خاطره شفاهی در فهم و ضبط خاطره دچار اشتباه شوند و خاطره‌گو بعداً متوجه آن نشود ولی در خاطره‌نویسی، امکان این اشتباهات به مراتب کمتر است؛ ضمن آن که گرچه ممکن است هم خاطره‌نگار و هم خاطره‌گو در تغییر، تبدیل و نقل وقایع، دچار نقص در فهم و یا عمد در تحریف باشند، اما شکی نیست دقتی که در نوشتار به دست می‌آید به مراتب فراتر از گفتار است. تفاوت دوم در این است که در خاطره‌نگاری مکتوب، نگارنده خاطرات خود را بر اساس یک نقشه طراحی شده پیش می‌برد، اما در خاطره‌نگاری شفاهی این کار به آسانی امکان پذیر نیست؛ به عبارتی در خاطره‌نگاری مکتوب فرد به اهداف و آرمان‌های سیاسی، تاریخی و اجتماعی خودش توجه دارد و به آن‌ها وفاداری نشان می‌دهد و تلاش می‌کند آن‌ها را مورد سوال قرار ندهد. مشهورترین نوع این شیوه تاریخ‌نگاری را می‌توان در کتاب پادشاه به تاریخ^{۳۶} نوشته محمدرضا پهلوی و نیز در خاطرات علی امینی و یا خاطرات جهانگیر تفضلی^{۳۷}، که توسط نگارنده تدوین شده است، مشاهده کرد. خاطرات محمدی ری‌شهری^{۳۸} نیز از این دسته است.

یادداشت نویسی روزانه

یادداشت نویسی به متونی گفته می‌شود که خاطره‌نگار در هنگام وقوع حوادث به صورت روزانه و یا دوره‌ای به ثبت وقایع می‌پردازد و در این یادداشت‌ها، عمدتاً حوادثی مطرح می‌شوند که خاطره‌نگار در آن‌ها مداخلت و حضور داشته است. یادداشت روزانه از اسناد باارزش تاریخی به شمار می‌رود؛ چراکه ذهن نویسنده به هنگام نوشتن این یادداشت‌ها، از یک طرح و نقشه طراحی شده بهره نمی‌گیرد، بلکه حوادث روزانه را بر مبنای شیوه وقوع آن‌ها یادداشت می‌کند و در نتیجه مطلب از یک سیر کاملاً طبیعی برخوردار می‌شود؛ به ویژه اگر خاطره‌نگار فردی باشد که خود در وقایع حضور داشته باشد، اهمیت این مسأله، مضاعف می‌گردد. در میان نوشته‌های سال‌های اخیر، یادداشت‌های اسدالله علم^{۳۹}، وزیر دربار شاه،

و منتشر شده‌اند، همچنین خاطرات نورالدین کیانوری^{۴۰}، ایرج اسکندری^{۴۱} و خاطرات فردوست^{۴۲} که عبدالله شهبازی ویرایش کرده است، در این زمره محسوب می‌شوند.

خاطرات شفاهی تدوینی: در این شیوه، یک نفر حادثه یا واقعه تاریخی را توضیح می‌دهد و ضمن توضیح و بیان آن، به فرد یا گروهی اجازه می‌دهد خاطرات او را آن گونه که می‌پسندند تدوین کنند؛ چنان که تدوین‌کنندگان می‌توانند برخی نقاط ضعف مطلب را با ارائه توضیح، تکمیل و تقویت نمایند و یا موارد مرتبط با مسائل امنیتی را حذف کنند و با افزودن و کاستن، کتاب به گونه‌ای تنظیم شود که هم حالت روایی پیدا کند و هم جاذبه و شیرینی متون تاریخی را به همراه داشته باشد. کتاب‌های چاپ شده درخصوص خاطرات احمد احمد^{۴۳} و خانم مرضیه دباغ (هر دو نوشته‌ی محسن کاظمی) از این شیوه تاریخ‌نگاری پیروی کرده‌اند. این سبک از تاریخ‌نگاری، ضمن بهره‌گیری از ظرایف قلم، نویسنده جذابیت بیشتری را برای خواندن ایجاد می‌کند. منتهی ممکن است زیاده‌روی نویسنده در قلم‌فرسایی به اصالت و دقت تاریخی اثر لطمه وارد نماید. قابل انکار نیست که فضا سازی تاریخی در کار تاریخ‌نگاری مفید است، اما معلوم نیست اعمال این شیوه در خاطره‌نویسی تا چه اندازه می‌تواند فضای واقعی را نیز ترسیم کند. نمونه دیگری از این آثار، کتاب شب‌های بی‌مهتاب^{۴۴} و خاطرات سرهنگ شهبازی است که محسن کاظمی آن را تدوین کرده است و نگارنده در نقدی، مواردی از این فضا سازی‌ها را که منجر به نتایج غیرواقعی شده‌اند، تبیین نموده‌ام^{۴۵}. نوع افراطی فضا سازی تاریخی را می‌توان در آثار مسعود بهنود و خسرو معتضد، ملاحظه نمود که به رغم برخورداری از جذابیت به هنگام خواندن، از اعتبار کافی برای استناد برخوردار نیستند. نقطه اصلی تفاوت و مزیت و برتری آثار کاظمی با آثار بهنود و معتضد، در این است که فضا سازی‌های کاظمی مورد تأیید خاطره‌گویان است اما بهنود و معتضد از چنین تأییدی برخوردار نیستند.

خاطرات شفاهی تلفیقی: در این شیوه، جمع‌آوری و ضبط خاطرات از یک گروه در خصوص موضوع و واقعه‌ای خاص و یا در خصوص موضوعات و وقایع مختلف، به صورت مصاحبه و گفت و گو انجام می‌گیرد. در مرحله بعد، پازل‌های خاطرات را در کنار هم می‌گذارند و خط و سیر طبیعی خاصی را در چینش‌ها اعمال می‌کنند. بهترین مصداق این شیوه، انقلاب ایران به روایت رادیو بی. بی. سی^{۴۶} است که تاکنون در ایران دو بار چاپ شده است - یک‌بار به کوشش عبدالرضا هوشنگ مهسوی تحت عنوان انقلاب اسلامی به روایت رادیو بی. بی. سی و بار دیگر توسط عمادالدین باقی، مدل دیگری از این دسته از آثار را

روزشمار تاریخی به سبکی گفته می‌شود که در آن نویسنده حوادث تاریخی را براساس سیر روزانه وقایع می‌نویسد، البته ممکن است حوادث و روزها پیوسته نباشند و میان آن‌ها فاصله باشد

تاریخ‌نگاری معاصر

یکی از اصلی‌ترین حلقه‌های ارتباطی شاه و غرب و مقتدرترین شخصیت تصمیم‌گیرنده در عرصه سیاسی و بین‌المللی مربوط به ایران - از اسناد با ارزش تاریخی مربوط به دوران پهلوی دوم به شمار می‌رود و این اثر را در نوع خود می‌توان بالاترین و بهترین سند علیه محمدرضا پهلوی، دربار و نظام حاکمیت پهلوی‌ها تلقی کرد. البته خود امیر اسدالله علم به اهمیت این قضیه واقف بوده است، لذا توصیه می‌کند که کتاب خاطرات او ده سال پس از خاتمه حکومت پهلوی و صرفاً در زمانی که امکان بازگشت پهلوی اصلاً وجود نداشته باشد، چاپ شود. این یادداشت‌ها تاکنون در شش جلد و به دو زبان انگلیسی و فارسی - در شکل فارسی آن نیز به دو صورت ترجمه به فارسی از انگلیسی و نیز به صورت متن اصلی فارسی - به چاپ رسیده‌اند.

نمونه دیگر این شیوه تاریخ‌نگاری، یادداشت‌های هاشمی رفسنجانی تحت عنوان کارنامه و خاطرات^{۴۰} است که از جمله اسناد با ارزش در خصوص حوادث بعد از انقلاب به شمار می‌رود.

نکته مهم در این گونه خاطره‌نگاری‌ها، آن است که نویسنده به هنگام نوشتن یادداشت خود از یک واقعه، چندان توجه نکند که یادداشت وی بعدها به یک سند با ارزش تبدیل خواهد شد و یا چه نتایجی در بر خواهد داشت. یادداشت‌های روزانه‌ای که منتشر شده‌اند، هر کدام از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار هستند و تفاوت نمی‌کند که نگارنده این یادداشت‌ها، شخصیتی سیاسی و یا رزمنده دفاع مقدس باشد؛ کما آنکه یادداشت‌های روزانه شهید رضا احدی، تحت عنوان حرمان هور از اعتبار والایی برخوردار است. همچنان که نامه‌های فهمیه - به کوشش علیرضا کمری - و یادداشت‌های سوسنگرد نوشته شهید غلامرضا صادق زاده از جمله این آثار در خور توجه هستند.

می‌پذیرند و برای سایر روش‌های موجود ارجح و اعتباری قائل نیستند و با آن‌ها با برچسب غیر علمی و ژورنالیستی برخورد می‌کنند. در تاریخ‌نگاری تحقیقی مورخ اغلب دنبال اثبات و نفی حادثه و یا واقعه‌ای تاریخی بر اساس چهارچوب‌های یک فرضیه و یا چند فرضیه می‌باشد و این رویه در چهارچوب پژوهش‌های سنتی و رایج به راحتی جای می‌گیرد و از آنجا که افراد معمولاً از کار بدیع و نو واهمه دارند، شیوه تاریخ‌نگاری تحقیقی نسبت به سایر روش‌ها بیشتر مورد قبول واقع می‌گردد. برای این شیوه تألیف‌های مختلفی وجود دارد، همانند: تشیع و مشروطیت ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، اثر عبدالهادی حائری^{۴۱}، تاریخ سیاسی معاصر ایران^{۴۲} و تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، اثر دکتر جلال‌الدین مدنی^{۴۳}، تاریخ روابط خارجی ایران، اثر هوشنگ مهدوی^{۴۴}، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی^{۴۵}، اثر دکتر ارواند ابراهامیان، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی و سیاسی ایران، اثر رسول جعفریان^{۴۶}، تاریخ تحولات سیاسی ایران، نوشته‌ی دکتر موسی نجفی^{۴۷}، کتاب سازمان افسران حزب توده ایران، اثر محمدحسین خسروپناه^{۴۸}؛ ریشه‌های انقلاب ایران، اثر نیکی کدی و شیر و عقاب، اثر جیمز بیل.

۲. تاریخ‌نگاری اسنادی

در تاریخ‌نگاری اسنادی به دنبال نگارش و ترسیم تاریخ بر اساس اسناد و مدارک هستیم که این اسناد و مدارک همراه با پاره‌ای توضیحات در خصوص واقعه مربوط، تدوین می‌گردد. عموماً اسناد تاریخی لایه‌های پنهان حوادث را روشن می‌سازند، چنانچه اسناد به دست آمده از ساواک نشان می‌دهد که به‌رغم ادعاها و سرو صدای تبلیغی رژیم که سعی می‌کرد امام را فردی ناشناخته و گمنام جلوه دهد، اما در اسنادی که از گزارش‌های ۲۸ خرداد ۱۳۴۲ ساواک به دست آمده، این ادعا نقض شده است. این گزارش کاملاً با مقاله رشیدی مطلق که با هماهنگی شاه و دربار و ساواک تهیه شد و در روزنامه اطلاعات ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ به چاپ رسید و منجر به خیزش عمومی مردم شد، منافات و تغایر جدی دارد. این مقاله‌ی روزنامه اطلاعات امام خمینی را فردی گمنام و جویای اسم و شهرت معرفی کرده است.

۱. تاریخ‌نگاری تحقیقی

از سبک‌های تاریخ‌نگاری تحلیلی است و محقق به دنبال اثبات فرضیه یا یک مطلب خاص به وسیله جمع آوری و ارائه شواهد و مدارک است، لذا این نوع تاریخ‌نگاری همواره مبتنی بر فرضیه‌ای است و نویسنده به دنبال آن است که شواهد کافی و معتبر برای اثبات آن فرضیه ارائه کند. این نوع تاریخ‌نگاری بیشتر در مراکز علمی و دانشگاهی به عنوان یک کار پژوهشی رایج است و بر بقیه گونه‌ها و صورت‌های تاریخ‌نگاری نیز سایه افکنده است و گاهی آن قدر افراط می‌کنند که تنها همین صورت و شیوه تاریخ‌نگاری را به عنوان یک کار علمی

چون در تاریخ‌نگاری گاهی اسناد مربوط به شخص یا گروه خاصی می‌باشد و گاهی پیرامون موضوع و مسأله خاصی است همانند کتاب بزم اهریمن^{۳۸} که در مورد جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و مبالغ هزینه شده می‌باشد و گاهی ترکیبی است از اشخاص و موضوعات مانند: اسناد لانه جاسوسی آمریکا که توسط دانشجویان پیرو خط امام منتشر گردیده است. علاوه بر آن اسناد به دو صورت گزینشی و یا تلفیقی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۱-۲. تاریخ‌نگاری اسنادی گزینشی

در مواردی نویسنده برای اثبات فرضیه‌ای به دنبال یافتن اسنادی برای به نتیجه رساندن فرضیه خود است، به همین خاطر ممکن است به بخشی از اسناد توجه و اهتمام نماید و اسناد خاصی از میان اسناد موجود گزینش می‌گردد، که البته بستگی به نگاه و هدف محقق و تاریخ‌نگار دارد که سعی می‌کند با کنار هم قرار دادن برخی اسناد به هدف و ادعای مورد نظرش برسد. چنانچه آقای دکتر جواد شیخ الاسلامی بر اساس بخشی از اسناد متعلق به وزارت امور خارجه انگلستان اصرار دارد، انگلستان با کودتا ۱۲۹۹ مخالف بوده است. چرا که اسنادی وجود دارد که بیان‌کننده مخالفت لرد کرزن با کودتا است. اما این اسناد فقط می‌توانند اثبات کنند که وزارت خارجه انگلستان با کودتا مخالف بوده و مدافع نظریه تحت‌الحماکی بوده‌اند که در قالب قرارداد ۱۹۱۹ شکل می‌گرفت، اسناد دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد دستگاه وزارت مستعمرات به رهبری ویستون چرچیل و نخست وزیر لوید جرج، با کودتا موافق بودند و نظر اینها غالب شد و کودتا انجام گرفت، اما چون دکتر شیخ الاسلامی مخالف نظر دخالت انگلستان در کودتای ۱۲۹۹ است، بخشی از اسناد را که مطابق نظرش می‌باشد گزینش کرده و بر آن اصرار می‌ورزد. یا در مورد اسناد فراماسونری و سید جمال‌الدین اسدآبادی که متأسفانه برخی مورخان به صورت گزینشی اسناد را انتخاب کردند و سید جمال اسدآبادی را جزء اعضای فراماسونری قلمداد کردند و با نادیده گرفتن اسناد زیادی که علیه این دیدگاه هست هدف خاصی را دنبال نمودند. چنانچه آقای خسروشاهی در کتاب تاریخ فرهنگ معاصر بیان می‌کند: اسناد وزارت خارجه در مورد آقای سید جمال‌الدین اسدآبادی توسط آقای ابراهیم صفائی به سرقت رفته است. اگر این اسناد در دسترس بود، موقعیت سیاسی و روابط سید جمال با فراماسونری و سیاست‌های استعماری انگلستان در مصر و نوع مخالفت‌های سید جمال را روشن می‌کرد که به اعتقاد آقای خسروشاهی در نفی روابط سید جمال با فراماسونری و مخالفت با منافع انگلستان بسیار مهم بود، لکن در عوض آمدند چند عکس از سید جمال‌الدین اسدآبادی که در مجلس فراماسونری گرفته بودند مطرح و علم کردند، تا جایی این کار تأثیرگذار بود که حتی آقایان: دکتر موسی نجفی و موسی حقانی در کتاب تاریخ معاصر ایران هم از کنار آن گذشتند و بحثی در خصوص سید جمال‌الدین اسدآبادی در آثارشان به عمل نیاوردند.

۳. تاریخ‌نگاری فرهنگ نامه‌ای

شیوه و صورت دیگری از انواع تاریخ‌نگاری مکتوب، به صورت دایره‌المعارف و فرهنگ‌نامه است. در مورد تاریخ ایران و به‌خصوص تاریخ معاصر ایران نیز اقداماتی در داخل و خارج از کشور در حال انجام است. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، دایره‌المعارف تشیع، مجموعه دایره‌المعارف

ایرانی‌کازیر نظر احسان یارشاطر - که با جنجال زیاد تبلیغ می‌شود، مجموعه دایره‌المعارف‌هایی است که اختصاص به تاریخ و یا تاریخ انقلاب اسلامی و معاصر ندارد، اما مقالات متعددی از آن مربوط به حوادث و مسائل دوران معاصر و انقلاب اسلامی است که از موضوعات تا شخصیت‌ها را دربر می‌گیرد و صد البته مقالات این مجموعه‌ها به عنوان منابع او توجه مورد اعتنا خواهند بود و باید اذعان و توجه کرد که ما الآن در جریان یک نهضت دایره‌المعارف نویسی نوپا ولی بسیار گسترده و فعال قرار داریم. اتفاق مهم دیگری که در کنار این دایره‌المعارف نویسی در حال انجام است نوشتن دایره‌المعارف‌های انقلاب اسلامی برای نوجوانان است؛ نظیر دایره‌المعارف انقلاب اسلامی نوجوانان دفتر ادبیات انقلاب اسلامی و فرهنگ نامه انقلاب اسلامی برای نوجوانان، که چاپ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. اهمیت این نوع تاریخ‌نگاری، به این است که هدف و غایت اصلی این شیوه تاریخ‌نگاری دراصل ایجاد مأخذ و منبع برای تاریخ‌نویسی است. از این رو است که عمده‌ترین جریان‌های موافق انقلاب اسلامی در داخل و یا مخالف انقلاب در خارج با پشتوانه آمریکا به شدت و وسعت زیاد به این نوع تاریخ‌نگاری روی آورده‌اند. در مجموع بنیان این نوع فرهنگ‌نامه‌ها دیدگاه‌های خود را تحمیل می‌کنند. هرچند برای متنوع جلوه دادن و آزادی اندیشه در چند مورد، آن هم غیر کلیدی، از چندین مقاله مخالف جریان مسلط هم، استفاده می‌کنند. به عنوان نمونه مقالات دایره‌المعارف ایرانی‌کا شدیداً گرایش‌های بایه و بهائی‌گری دارد.

در داخل کشور، نمونه بارز شیوه تاریخ‌نگاری فرهنگ‌نامه‌های فرهنگ‌ناهوران معاصر ایران^{۳۹} است که با همه کاستی‌هایی که به لحاظ نگرش و دیدگاه‌های تاریخی دارد به لحاظ فرم و شکل کاری خوب و پسندیده است.

۴- تاریخ‌نگاری داستانی:

تاریخ‌نگاری داستانی و با داستان تاریخی شیوه دیگری از تاریخ‌نگاری است که در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مورد اقبال واقع شده است و بر ظرفیت پژوهش و نگارش در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی افزوده شده است، هر چند در گذشته کم و بیش رایج بوده؛ اما در انقلاب اسلامی این شیوه توسعه بیشتری یافته است. این شیوه تاریخ‌نگاری به دلیل جاذبه‌های داستانی، تأثیرگذاری و نفوذش در مخاطبان - به خصوص نوجوانان و جوانان - بیشتر از سایر شیوه‌ها می‌باشد که لازم است به آن توجه خاص گردد و برغناهی آن افزوده شود. در این سبک تاریخ‌نگاری، نویسنده سعی می‌کند با حفظ اصل داستان، پیرایه‌های داستانی به واقعه بیفزاید و جذابیت داستانی اثر را از طریق ایجاد و تعلیق در صحنه‌های خالص خواننده را به دنبال خود داشته باشد. سید علی قادری در کتاب «روح الله» که درباره زندگی امام خمینی نگاشته است، از این شیوه بهره جسته است.

پی‌نوشت:

۱. منی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر، دفتر انتشارات اسلامی قم، ۱۳۶۵.
۲. نجاتی، غلامرضا، تاریخ بیست و پنج ساله، نشر رستا تهران، ۱۳۶۹.
۳. محمدرضا پهلوی، شاه ایران، این کتاب ترجمه انگلیسی کتاب «مأموریت وطنم» می‌باشد، لندن، ۱۹۸۶ = ۱۳۴۷

- همچنین به کوشش: احمد پیرانی، مأموریت برای وطنم (زندگی محمد رضا شاه پهلوی)، تهران، به آفرین، ۱۳۸۴.
۴. ساتن الوین، ایران در عصر رضا شاه، تهران بی تا.
۵. عظمت بازیافته تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران ۱۳۵۵.
۶. لارودی نورالله، زندانیان اراک، بی تا بی جا.
۷. تفوشیان ابوالحسن، قیام افسران خراسان.
۸. خسروپناه، محمد حسین، سازمان نظامی حزب توده.
۹. تیموری ابراهیم، قیام تنباکو.
۱۰. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، کودتای نوزده، مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی، تهران ۱۳۶۶.
۱۱. انصاری حمید، حدیث بیداری، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، تهران ۱۳۸۰.
۱۲. عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب، گفتار، ۱۳۷۲.
۱۳. کرباسچی غلامرضا، هفت هزار روز، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، قم ۱۳۷۲.
۱۴. سعادت، پرویز، روزشمار انقلاب اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر، ۱۳۷۶.
۱۵. برزگر، علیرضا، روزشمار جنگ تحمیلی عراق با جمهوری اسلامی ایران، انتشارات صدا و سیما، ۱۳۷۹.
۱۶. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۶۸.
۱۷. روز شمار روابط ایران و آمریکا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه تهران، ۱۳۷۹.
۱۸. امینی، علی، خاطرات علی امینی، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد.
۱۹. قاجار، حمید، خاطرات سلطان حمید قاجار فرزند آخرین سلسله قاجار، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، مرکز خاورمیانه ۱۹۹۸ م.
۲۰. بختیار، شاپور، خاطرات شاپور بختیار نخست‌وزیر ایران (۱۳۵۷)، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، تهران، زیبا ۱۳۸۰.
۲۱. شریف امامی، جعفر، خاطرات جعفر شریف امامی لندن: دانشگاه هاروارد، مرکز خاورمیانه، طرح تاریخ شفاهی ایران، ۱۹۹۹ م.
۲۲. مجیدی، عبدالمجید، خاطرات عبدالمجید مجیدی، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، ۱۹۹۸ م.
۲۳. محتشمی پور، علی اکبر، خاطرات حجة الاسلام و المسلمین سید علی اکبر محتشمی پور دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، حوزه هنری، ۱۳۷۶.
۲۴. موسوی بجنوردی، محمد کاظم، مسی به رنگ شفق، خاطرات سید محمد کاظم موسوی بجنوردی، انتشاراتی آفرینه، ۱۳۷۷ و همچنین موسوی بجنوردی محمد کاظم، خاطرات سید محمد کاظم بجنوردی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۶.
۲۵. الویری، مرتضی، خاطرات مرتضی الویری، دفتر انقلاب اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۶. برایت اکبر، خاطرات دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۷. مرتضی، میردار، خاطرات حجة الاسلام علی اکبر ناطق نوری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.
۲. ناطق نوری، علی اکبر، خاطرات علی اکبر ناطق نوری مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
۲۸. کیانوری، نورالدین، خاطرات نورالدین کیانوری، اطلاعات، ۱۳۷۱.
۲۹. ۱. اسکندری، ایرج، خاطرات ایرج اسکندری، موسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۲ و همچنین یک
۲. اسکندری، ایرج، خاطرات سیاسی، علمی، ۱۳۷۶.
۳۰. فردوست، حسین، (ظهور و سقوط سلطنت پهلوی)، اطلاعات، ۱۳۶۹.
۳۱. احمد، احمد، خاطرات احمد احمد، به کوشش محسن کاظمی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی انتشارات سوره ی مهر، ۱۳۸۱.
۳۲. شب‌های مهتاب، به کوشش محسن کاظمی، دفتر ادبیات اسلامی، سوره مهر، تهران ۸۳.
۳۳. توکلی یعقوب، کنکاشی در تاریخ‌نگاری معاصر در دست انتشار و همچنین ماهنامه فرمانده، دوازده سبک تاریخ‌نگاری.
۳۴. هوشنگ، مهدوی، عبدالرضا، انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی، طرح نو، ۱۳۷۲.
۳۵. توسعه در ایران، مرکز مطالعات زنان ایران - گفتگو با مجید گودرزی، عبدالمجید مجیدی، منوچهر فرمانفروانیان آمریکا.
۳۶. پهلوی، محمد رضا، پاسخ به تاریخ، تهران، نشر عارف، ۱۳۷۱.
۳۷. تفضلی، جهانگیر، خاطرات جهانگیر تفضلی، به کوشش یعقوب توکلی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
۳۸. محمدری شهری، محمد، خاطرات سیاسی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۶۹.
۳۹. یادداشت‌های علم، تهران، معین، ۱۳۷۷.
- یادداشت‌های علم، تهران، کتاب سرا، ۱۳۷۲.
- یادداشت‌های علم، یزد، بهاباد، ۱۳.
۴۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر، هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات ۱۳۶۰، تهران، دفتر نشر فرهنگ انقلاب، ۱۳۷۸.
- هاشمی رفسنجانی، آرامش و جالش کارنامه خاطرات سال ۱۳۶۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ انقلاب، ۱۳۸۱.
- دوران مبارزه خاطرات و تصویرها، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶.
۴۱. حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان عراق، امیر کبیر ۱۳۶۴.
۴۲. مدنی، جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۴۳. مدنی، جلال‌الدین، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰-۱۳۷۸.
۴۴. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، تاریخ روابط خارجی ایران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۰.
۴۵. آبراهامیان، ارواند، ایران بین دو انقلاب، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، نشر نی، ۱۳۷۷.
۴۶. جعفریان، رسول، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی-سیاسی ایران سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.
۴۷. نجفی، موسی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران، موسسه مطالعات تاریخ ایران، ۱۳۸۱.
۴۸. خسروپناه، محمد حسین، سازمان افسران حزب توده ایران، نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۸.
۴۹. تدوین مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، بزم اهریمن، (جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی به روایت اسناد ساواک و دربار)، وزارت اطلاعات، مرکز اسناد تاریخی، ۱۳۷۸.
۵۰. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، شورای عالی فرهنگ ناموران معاصر ایران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر، ۱۳۸۱.